

10 دلیل غلط و یک دلیل درست در مبارزه بر علیه دروغ نسل کشی ارمنی



اوتکو ریحان

ترجمه: م. جوشغون

هدف از اعلام سالهای بین 1915 - 1923، بعنوان "دوره نسل کشی"، نا مشروع نشان دادن پایه های تشکیل دولت ترکیه هست. بعلاوه، بایدن هدف خویش (از شناسائی این دوره بعنوان نسل کشی) را، "جلو گیری از تکرار" آن بیان میکند. یعنی ترکیه نسل کش، مرتکب نسل کشی های جدید نشود. این اظهار بسیار پر معنی است. زیرا مدت هاست که در غرب، مبارزه ترکیه با پ.ک.ک نیز "نسل کشی کردی" قلمداد می شود.

تنها گفتمان صحیح

در واقع تنها یک گفتمان صحیح وجود دارد. اینکه، مفهوم نسل کشی، تعریف یک جرم در حیطه حقوق کیفری بین المللی است. به این دلیل تنها دادگاه های صلاحیت دار می توانند در مورد نسل کشی بودن و یا نبودن یک عمل تصمیم بگیرند. دوغو پرینچک، رهبر حزب وطن، سالهاست که تقریباً یک تنه، مدافع این تر می باشد. حکم دادگاه حقوق بشر اروپا در مورد دعوی دوغو پرینچک - سویس، نیز بر همین امر اشاره کرده است.

در آخرین مورد، استفان دوجاریک دولاریور، سخنگوی آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل، در جواب این سؤال روزنامه نگاران که "بایدن در حال آماده شدن برای شناختن وقایع 1915، بعنوان نسل کشی است. موضع دبیر کل سازمان ملل در این مورد چیست؟"، چنین گفت: "در این مورد فقط دادگاه های صلاحیت دار می توانند حکم صادر کنند." این تحولی در حد یک انقلاب است.

ادعای نسل کشی، ادعائی حقوقی است. مستندات ما به قرار زیر می باشد.

رای دادگاه حقوق بشر اروپا، مورد پرینچک - سوئیس، سال 2013

رای دادگاه حقوق بشر اروپا، دادگاه عالی، مورد پرینچک - سوئیس، سال 2015

رای دادگاه حقوق بشر اروپا، مورد علی مرجان، اتهام کاپالی، حسن کماهللی - سوئیس، سال 2017

کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم نسل کشی سازمان ملل - 1948

رای دیوان عدالت بین المللی، مورد کرواسی - صربستان - 2015

رای دادگاه حقوق بشر اروپا، مورد "م بلا م بلا" (M.Bala, M.Bala) - فرانسه - 2015

رای شورای قانون اساسی فرانسه، مورد "ر. و. وینسنت" (R.V.Vincent) - 2016

بدین ترتیب، با اجتهادی که با حکم مورد پرینچک - سوئیس و احکام متعاقب آن بوجود آمد، بحث "نسل کشی" خاتمه یافته است.

به طور خلاصه:

وقایع 1915 و نسل کشی یهودی دو مقوله متفاوت هستند.

در مورد وقایع 1915 رای دادگاه وجود ندارد. نبود رای دادگاه صلاحیتدار، بمعنی نبود نسل کشی هست.

وقایع ما قبل 1948 نمیتوانند نسل کشی تلقی شوند. زیرا چنین جرمی هنوز تعرف نشده بود. در نبود قانون مربوطه، امکان وقوع جرم و مجازات آن، ممکن نیست.

بنا بر این، دفتر مبحث نسل کشی (ارمنی) که خود یک مقوله حقوقی است، با رای سال 2015 دادگاه عالی حقوق بشر اروپا برای همیشه بسته شده است. می توان در مورد تمامی ابعاد وقایع 1915 بحث نمود. از نظر ما "جنگ میهنی" هست. از نظر برخی می تواند "دردناک" باشد. این بحثی است در حیطه آزادی بیان. ولی آن را نمی توان "نسل کشی" تلقی کرد.

با وجود اینکه ترکیه این مسئله را در بعد واقعی آن، یعنی بعد حقوقی، بطور ریشه ائی حل کرده است، ولی عادت های قدیمی هنوز ترک نشده اند. مبارزه با دروغ نسل کشی، متأسفانه نه از موضع پیروزی های اخیر کسب شده، بلکه از مواضع تدافعی قدیمی پیش برده می شوند. بخصوص دیپلمات های بازنشسته، نظامیان و برخی آکادمسین ها این اشتباه را ادامه می دهند. حکومت و مخالفین هم قادر به دیدن وضع بوجود آمده بعد از 2015 نیستند. باور کردنی نیست. آنها به حفظیات خود چسبیده و منجمد شده اند.

این حفظیات غلط را تحت چند عنوان طبقه بندی کردیم.

1 - " به مورخین واگذار کنیم "

در صدر اشتباه های رایج قرار دارد. این گفتمان، موضوعی را که از نظر حقوقی حل شده است، کش داده و حل مسئله را غیر ممکن می کند. آنها می گویند: " همه، آرشیو هایشان را برای تحقیق مورخین مستقل باز کنند." این در حالی است که آرشیو ها مدت ها است که باز شده اند. در ضمن این مورخین مستقل کیستند؟ آیا قرار است مورخین بررسی کرده و حکم "نسل کشی" بدهند؟ تکرار می کنیم. نسل کشی تعریف یک جرم است. مثل جنایت. آیا مورخین، رئیس دادگاه عالی جزایی اند؟ نه خیر. قضاوت در مورد ادعای نسل کشی، موضوع کار مورخین نبوده، بلکه، کار دادگاه ها می باشد. در نبود رای دادگاه، نسل کشی وجود ندارد. تشکیل دادگاه جدید نیز ممکن نیست.

2 - " کار لابی ارمنی هست "

آگاهانه و یا نا آگاهانه، خاص ترین نوع طرفداری از آمریکا است. یعنی اگر لابی ارمنی نباشد، آمریکا با ما دشمنی نخواهد کرد. این آمریکا نیست که به پ.ک.ک اسلحه می دهد، بلکه کار لابی پ.ک.ک هست. اشغال عراق هم کار لابی اسلحه است. کشتی های جنگی آمریکا هم توسط لابی یونان در دریای اژه مستقر شده اند. ترتیب دهندگان کودتای 15 جولای نیز لابی فتح الله میباشد. اینکه همه اینها با سیاست های داخلی آمریکا مرتبط بوده! و برای کسب آرای ارمنی های کالیفرنیا هست. افسوس، اگر ما هم یک لابی قدرتمند داشتیم، وضع فرق می کرد. راه آسان پنهان کردن ماهیت امپریالیستی آمریکا و انداختن گناه به گردن ارمنی ها. بدین ترتیب خشم مردم ترکیه بجای امپریالیزم آمریکا، متوجه ارمنی ها خواهد شد.

نه خیر. اظهارات بایدن کار لابی ارمنی نیست. بخشی از تهاجم آمریکا در قبال ترکیه است، نوعی شیپور حمله است.

3 - " نسل کش های واقعی ارمنی ها هستند. "

اشتباه رایجی که عموماً با نیت خوب انجام شده و ظاهراً به نفع ما دیده می‌شود. گفته می‌شود که ارمنی‌ها قبل از 1915 مرتکب نسل‌کشی بر علیه ترک‌ها شده‌اند. این تریباعت تضعیف موضع ما می‌شود. زیرا حکم دادگاه صالحی مبنی بر "نسل‌کشی" بودن قتل عام هائی که ارمنی‌ها بر علیه ترک‌ها مرتکب شده‌اند، وجود ندارد. در موضوع "نسل‌کشی" تبعیت از حقوق بین‌الملل به نفع ماست. ادعا‌های هیجانی ممکن است احساسات ملی‌گرایانه را ارضا کند، اما به ما لطمه می‌زند. تفسیر تاریخی صحیح در رابطه با وقایع قبل و بعد از 1915، کشتار متقابل هست، نه نسل‌کشی.

4 - "آمریکا و غرب به تاریخ خودشان نگاه کنند."

ماهیت قتل عام گرایانه آمریکا و کشور های غربی بر کسی پوشیده نیست. از نابود کردن سرخ پوست‌ها بگیریید تا جنایاتی که در عراق مرتکب شدند. ولی اشکالاتی که در بالا بیان شدند، اینجا هم معتبر هستند. اطلاق نسل‌کشی به این جنایات، باعث شکار شدن هنگام شکار رفتن است.

5 - "وزارت امور خارجه ترکیه عاجز هست. لابی قوی نداریم."

یکی از عناوین مورد علاقه مخالفین است. طبق این نظریه، سیاستهای ترکیه در گذشته در آمریکا موثر بوده و مانع نسل‌کشی گفتمانی روسای جمهور آمریکا می‌شد. "اکنون، وزارت امور خارجه آنقدر بد عمل می‌کند که در آمریکا تنها مانده ایم و این بلاها به سرمان می‌آید." حقیقت اما این است که ترکیه، از سال 2013، بصورت سیستماتیک از آمریکا دور می‌شود. آمریکا سعی کرده است که با اقداماتی چون عملیات 17 - 25 دسامبر (سال 2013)، 15 جولای (سال 2016) و مسلح کردن پ.ک.ک، به این روند پاسخ دهد. در جواب، ترکیه نیز به چین، روسیه و ایران نزدیک شده است. حالا بایدن به خیال خود می‌خواهد، ترکیه را که به دنبال اعمال سیاستی مستقل است، مجازات کند. مطمئناً ترکیه اگر، از اس-400 ها صرف نظر کند، عوامل سازمان فتح الله گولن را از زندان آزاد کرده و دوباره با پ.ک.ک آشتی کند، و ترکیه مثل گذشته پادگان آمریکا گردد، بایدن هم "نسل‌کشی" نخواهد گفت. باید تصمیم بگیریم. مستقل خواهیم شد یا وابسته؟

اینکه مخالفین در هر حالت، ترکیه را مقصر می‌دانند و نه آمریکا را، بهیچ وجه نمی‌تواند تصادفی باشد.

6 - "برازنده دوستی نیست"

گفتمانی است باور نکردنی. لازم به بررسی تمامی دوران 76 ساله آمریکا پرستی مان نیست. بررسی وقایع ده سال اخیر به وضوح نشان می‌دهد که اتحادی در میان نیست. هر کشور دیگری اگر نصف اعمال آمریکا را مرتکب می‌شد، مدت‌ها پیش بعنوان دشمن معرفی شده بود. گفتمان "برازنده دوستی نیست"، از رسوبات بندگی آمریکاست.

7 - "مقصر جمهوریت (جمهوری ترکیه) نیست بلکه، عثمانی و جمعیت اتحاد و ترقی است."

گفتمانی مفید برای فریب برخی از کمالیست‌های ساده لوح. صاحبان این گفتمان چیزی نمانده که از بایدن تشکر هم بکنند. به نظر آنان، بایدن با گفتن قسطنطنیه به جای استانبول، مسئولیت نسل‌کشی را متوجه دوران عثمانی و جمعیت اتحاد و ترقی که تصمیم انتقال اجباری (تهجیر) را گرفت، کرده و بدین ترتیب جمهوریت را مقصر ندانسته است. در حالیکه ایدئولوگ‌های ادعای نسل‌کشی آگاهانه تاریخ نسل‌کشی را بین سالهای 1915 - 1923 نشان می‌دهند. یعنی، دوران مبارزه ملی ما در واقع تاریخ نسل‌کشی است. از نظر خودشان منطقی نیز هست. اگر در سال 1915 تهجیر انجام نشده بود، حتی برگزاری کنگره‌های ارضروم و سیواس نیز ممکن نمی‌شد. اینکه در جنگ استقلال توانستیم تمامی توجه و قوای خود را متوجه جبهه غرب بکنیم، نتیجه تصمیم 1915 حکومت جمعیت اتحاد و ترقی تحت رهبری طلعت پاشای قهرمان هست.

8 - "آمریکا مداخله نکند. ما خودمان با دردهای مشترکمان روبرو می‌شویم."

گفتمان خجولانه برخی جریان‌های تجزیه طلب و لیبرال است. چون دخالت آمریکا سبب اتحاد ملت می‌شود، آنها این راه را پیشنهاد می‌کنند. زیرا نمی‌توانند بگویند "نسل‌کشی" است، میگویند "اسمش هر چه که می‌خواهد باشد". هدفشان در هر

حالت لعن و نفرین کردن 1915 و خصومت با جمعیت اتحاد و ترقی می باشد. معتقد هستند که ترکیه باید عذر خواهی به کند. نه برادر، 1915 دفاع از میهن است.

9 - "ادعا های ارمنی"

یکی از علل پیروزی در دادگاه حقوق بشر اروپا، این بود که دوغو پرینچک به جای گفتن "ادعا های ارمنی"، عبارت "دروغ امپریالیستی" را به کار برد. بدین ترتیب از تشکیل عنصر جرم نفرت پراکنی (بر علیه ارمنی ها) جلوگیری کرد. واقعیت نیز همین هست. هدف ما ارمنی ها نبوده، بلکه، امپریالیست هائی هستند که با تولید این دروغ در سال 1916، با شروع کردن از سور (معاهده سور - Treaty of Sevres) در هر فرصتی از آن بر علیه ترکیه استفاده کرده اند. ارمنی ها جزئی از ملت ما هستند.

10 - "رای دادگاه حقوق بشر اروپا نمی گوید نسل کشی اتفاق نیفتاده"

ادعای جریاناتی که می خواهند اعتبار حکم مورد پرینچک - سوئیس را کاهش دهند. متأسفانه بعضی از دیپلمات های قدیمی هم این ادعا را تکرار می کنند. بزعم آنها این حکم فقط حکم آزادی بیان است. زیرا پرینچک بخاطر بیان "دروغ نسل کشی دروغی امپریالیستی است" در سوئیس محکوم شده و سپس دادگاه حقوق بشر اروپا عمل پرینچک را در حیطه "آزادی بیان" ارزیابی کرده است.

نکته اما این است که، همین دادگاه، درخواست آنهایی که بخاطر انکار نسل کشی یهودی مجازات شده اند را، همیشه رد کرده است. زیرا در این مورد رای دادگاه جنگی نورنبرگ وجود دارد. در حالیکه در موضوع وقایع 1915، مانند موارد پرینچک، علی مرجان/ادهم کاپالی/حسن کماهلی، در جهت دیگر رای می دهد. به این دلیل که در این مورد، بر خلاف نسل کشی یهودی، رای دادگاهی مبنی بر وجود "نسل کشی" موجود نیست. مضافاً اینکه در رای دادگاه حقوق بشر اروپا نیز دقیقاً بر همین نکته تأکید شده است.

لینک اصل مقاله:

<https://www.aydinlik.com.tr/koseyazisi/soykirim-yalaniyla-mucadelede-10-yanlis-1-dogru-242366>